

}} دکتر محمدرضا سنگری

تکامل شعر انقلاب اسلامی

شده بودند تا حدی از پختگی و ساختگی فرم و ساختار نیز برخوردار بودند.

از حدود سال‌های ۶۳ یعنی دهه شصت، نسل شاعران جوانی به ظهور پیوستند که با زبانی پخته‌تر و شاعرانه‌تر و بهره‌گیری گسترده‌تر و عمیق‌تر از عناصر و نمادهای فرهنگ آیینی به‌ویژه عاشورا، سروده‌هایی آفریدند که هنوز هم از درخشان‌ترین فصول و مانا‌ترین سروده‌های انقلاب محسوب می‌شوند.

۲. جریان دوم که از سال‌های پایانی دهه شصت (پس از پایان جنگ هشت ساله) و دهه هفتاد ظهور کرد، درگیر نوعی تکاپو در فرم و قالب‌های جدید و کشف فضاها و مضمون‌های تازه شد. این دوره را تلاش در تجربه‌اندوزی و تمرین در ساحت‌های نو باید نامید. اقبال به وزن‌های بلند، تمرین در قالب‌های سپید و حرکت تدریجی

انقلابی و دینی پرداختند که با ظهور جنگ - نوزده ماه پس از پیروزی انقلاب - مسائل جنگ چون ستایش مجاهدت مردمی، ستایش شهیدان و تقبیح دشمنان و متجاوزان، محوری‌ترین مضمون و موضوع جاری در سروده‌ها شد. این‌گونه سروده‌ها چند ویژگی داشتند:

الف) عمدتاً طولانی و بلند و روایی بودند. ب) در قالب‌هایی متناسب با زبان روایی سروده می‌شدند مثنوی، قصیده و شعر نو نیمایی و سپید قالب‌های رایج سروده‌ها بودند.

ج) درون‌مایه، بیش از فرم و قالب مورد عنایت شاعران بود. به دیگر زبان «چه گفتن» بیش از «چگونه گفتن» دغدغه شاعر بود. البته این سخن بدان معنا نیست که این سروده‌ها یکسره از نظرگاه ادبی فاقد اعتبار باشند، بلکه برخی از آنان که محصول ذهن و ذوق شاعران شناخته

در میان گونه‌های گوناگون ادبیات انقلاب اسلامی، شعر هم به اعتبار پیشینه و پشتوانه تاریخی خود و هم اقبال و استقبال عام و از این دو مهم‌تر کارکرد خود در عرصه‌ها و صحنه‌های گوناگون، جایگاهی مهم و ویژه دارد.

شعر انقلاب اسلامی به مجموعه سروده‌هایی اطلاق می‌شود که در عصر انقلاب اسلامی، به دغدغه‌ها، رویدادها، مضامین، نگرش‌ها، باورها و در یک کلمه عناصر هویتی انقلاب اسلامی پرداخته است.

شعر انقلاب، همچون همه پدیده‌های فرهنگی نشیب و فرازهایی را پشت سر نهاده است که در تحلیل و بررسی کلی به جریان‌های چندگانه زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. در نخستین سال‌های انقلاب، بیش و پیش از هر چیز، شاعران به بیان اندیشه‌ها و باورهای

به‌سوی آفاق تازه معنایی و مضمونی به‌ویژه حوزه تغزل، از نمودهای این دوره است.

۳. جریان سوم که هم‌اکنون نیز ادامه دارد، تلاش هم‌زمان در قلمرو فرم‌های تازه و مضمون‌های بدیع است. نسلی پرشور و جوان و مستعد، با خلق آثار چشمگیر، پنجره‌هایی تازه به روی شعر انقلاب گشوده‌اند که با ویژگی‌هایی چند نسبت به دو دوره گذشته ممتاز و متمایز می‌شوند.

الف) تنوع در موضوع و مضمون با آنچه با عنوان «جمهوری شعر» برای دو دهه گذشته شعر انقلاب مطرح می‌شد و نوعی هم‌صدایی یا تک‌صدایی به وجود آورده بود، شکسته شده و زبان متفاوت و متکثر، موضوعات گونه‌گون مانند تجربه‌های اجتماعی، دغدغه‌های ملی و جهانی، عشق، زندگی، جنگ، غربت، مضامین دینی و انقلابی و طیف‌های متنوع و ساخت‌های رنگارنگ آفاقی و انفسی در شعر جلوه و چهره یافته است.

ب) فاصله شعری شاعران پایتخت و شهرستانی درنوردیده شده و به اعتبار امکان ارتباطی و شبکه‌های اینترنتی و رسانه‌ای و اطلاعاتی، تفاوت چشمگیر در سطح، شکسته شده است. محافل شعری شهرستان‌ها در تقویت شعر شهری و استانی نیز مؤثر افتاده است. هم‌اکنون مجموعه شعرهای چاپ‌شده در استان‌ها ظهور نسل جدید شعری را نوید می‌دهد که بسیار امیدبخش است.

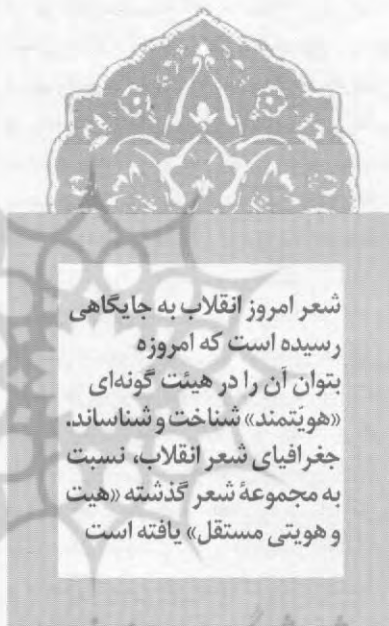
ج) فضاهای تازه در فرم و نوآوری در شکل و صورت غزل، رباعی، ابداع و خلاقیت در قافیه، حرکت به سمت ساخت‌های نیمایی در عین وفاداری به قالب سنتی، صیقل دادن شگفت‌انگیز زبان، فرم‌ها و فرم‌های تازه شعری از دستاوردهای حرکت نوین شعر انقلاب است. جریان جدید اگر سنجیده‌تر و آگاهانه‌تر و با بهره‌گیری هوشمندانه از تجارب هزاره گذشته شعری و تجربه‌های موفق جهانی باشد، حادثه‌ای نو در مجموعه شعر ایران خواهد بود.

شعر انقلاب به تدریج به «تکوین هویت خویش» نزدیک می‌شود و تردیدی نیست که نمونه‌های موفق شعر جوان امروز و برخی از نمونه‌های بارز و درخشان دو دهه شصت و هفتاد، در کنار هم تصویری به دست می‌دهند که آن را «هویت شعر انقلاب اسلامی» می‌توان نامید. این سروده‌ها دو وجه متفاوت و ممتاز نسبت به شعر گذشته، به‌ویژه شعر همسایه تاریخی خود - شعر

قبل از انقلاب - دارند.

وجه نخست: وجه محتوایی و درون‌مایه شعری است که جهانی تازه و فضاهایی نو را در شعر انقلاب می‌یابیم حتی مضمون‌های گذشته، در شعر انقلاب هویت و ماهیتی تازه دارند. آشناترین و پرکاربردترین موضوع و مضمون یعنی عشق در این دوره به دیگر گونه طرح و شناخته می‌شود. همان گونه که نگاه به زندگی، انسان، جهان، خود و دیگران رنگ و صیغه‌ای دیگر دارد.

وجه دوم: نوآوری و تغییر در ساختار و شکل و تجربه‌های موفق و تمرین‌های جسورانه در



شعر امروز انقلاب به جایگاهی رسیده است که امروزه بتوان آن را در هیئت گونه‌ای «هویت‌مند» شناخت و شناساند. جغرافیای شعر انقلاب، نسبت به مجموعه شعر گذشته «هویت و هویتی مستقل» یافته است

شکست هنجارمند هنجارها برای دستیابی به هنجارهای تازه زبانی و شعری است. یکی از این تجربه‌ها تلفیق داستان و شعر و ساختارهای روایی در غزل است که در هیچ دوره‌ای از تاریخ شعر ما با این گستردگی، طراوت و بسامد قابل توجه، طرح نشده است.

شاید دو ویژگی دیگر را بر ویژگی‌های گفته بتوان افزود که یکی بهره‌گیری از عناصر گویشی و بومی و دیگری موج گسترده ترانه‌سرایی و محاوره‌گویی است.

شعر امروز انقلاب چه از نظر گاه کمی و چه کیفی به جایگاهی رسیده است که امروزه بتوان آن را در هیئت گونه‌ای «هویت‌مند» شناخت و شناساند. جغرافیای شعر انقلاب، در تکوین و شکل‌گیری خویش نه تنها نسبت به پیش از انقلاب کرانه‌مند شده است که نسبت به مجموعه شعر گذشته

«هویت و هویتی مستقل» یافته است. این سخن به معنای گسستگی شعر امروز از دیروز نیست که مطالعه و تأمل در شعر انقلاب، پیوستگی آن را با شعر گذشته و سیراب شدن از آن آشخور زلال و پایان‌ناپذیر، فریاد می‌کشد.

تحلیل و تبیین جریان سوم

همان گونه که گفته شد جریان سوم در دو حوزه فرم و درون‌مایه هم‌زمان به خلاقیت و ابتکار دست زده است. چنین حادثه‌ای محصول درک روشن شاعران از ضرورت‌ها و بایسته‌های زمان و توانمندی و هوشمندی در تغییر آفرینی است. با طرح نمونه‌هایی از این ابداع و نوآوری، آفاق تحوّل و تغییر را بهتر می‌توان شناخت.

الف) نوآوری در ساختار سنتی غزل

نوعی پیوسته‌خوانی در شعر و گره زدن ابیات به همدیگر، خوانشی جدید در شعر را سبب می‌شود که سروده را در شکل و ساخت و هندسه «شعر نیمایی» عرضه می‌کند. هنرمندی شاعر آن‌گاه بیشتر آشکار می‌شود که با همان بافت سنتی و رعایت افاعیل و قافیه شعر در تمام محور عمودی و بازبانی روایتی به چنین ساختاری دست می‌یابد. دقت و درنگ در سروده زیر، لحظه‌های ولادت علی(ع)... این ویژگی را آشکار می‌سازد.

در ساعتی که هول مکرر داشت

دیوارهای خانه ترک برداشت

ممنوع بود رد شدن، اما زن

در دست، حکم «رد شو و بگذر» داشت

حسی لبالب از شعف و وحشت

حسی شگفت و دلهره‌آور داشت

در قلب او جوانه یک گل بود

یک سینه آرزوی معطر داشت

هرچه ستاره مست شد و رقصید

شب را صدای شادی و دف برداشت

صد صف فرشته سجده به کودک کرد

آن لحظه عرش حالت دیگر داشت

□□□

شصت و سه سال بعد همان کودک

یک روز صبح که از در داشت -

می‌رفت سمت کوچه، زمین نالید

از آنچه روز فاجعه در سر داشت

بانگ اذان شنیده شد از مسجد

مردی برای دفعه آخر داشت...

: «پاشو غریبه»

: کیست؟

: منم

یعنی:

اصرار بر هر آنچه مقدر داشت
«قد قامت الصلوة»

نه وقتش نیست
در سجده، ضربه حالت بهتر داشت
سبحان رب...

و وقت مناسب شد
این سجده حکم وقت مقرر داشت
فرت و رب...

کعبه به خود لرزید

دیوارهای کوفه ترک برداشت^۱

گذشته از ساختار داستانی و تکنیک‌های داستانی و زبان روایی مناسب، پیوستگی ابیات و نوع قافیه و ردیف، به زبان روایت کمک می‌کند. این ویژگی را با ابیات موقوف‌المعانی در شعر سنتی نباید یگانه دانست چراکه نحوه خوانش شعر و روند حرکت ذهن و زبان در این سروده‌ها متفاوت با گذشته است. در شعر انقلاب قافیه از ایستایی به سمت پویایی حرکت کرده است و کارکردی عمیق‌تر از گذشته یافته است. کشف ظرفیت‌های تازه در قافیه و وسعت دادن به جغرافیای قافیه، پنجره‌های تازه‌ای پیش روی قافیه گشوده است، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

اول آبی بود این دل، آخر اما زرد شد

آفتابی بود، ابری شد، سیاه و سرد شد

آفتابی بود، ابری شد، ولی باران نداشت

رعد و برقی زد ولی رگبار برگ زرد شد

صاف بود و ساده و شفاف، عین آینه

آه این آینه کی غرق غبار و گرد شد؟

هرچه با مقصود خود نزدیک‌تر می‌شد، نشد

هرچه از هرچیز و هر ناچیز دوری کرد، شد...

سر به زیر و ساکت و بی دست و پا می‌رفت دل

یک نظر روی تو را دید و حواسش پرت شد...^۲

□□□

ای شکوه بی کران اندوه من!

آسمان - دریای جنگل - کوه من!

گم شدی ای نیمه سبب دلم

ای من من ای تمام روح من!

ای تو لنگرگاه تسکین دلم

ساحل من، کشتی من! نوح من

قدر اندوه دل ما را بدان

قدر روح خسته و مجروح من:

هرچه شد انبوه‌تر گیسوی تو

می‌شود اندوه‌تر اندوه من^۳

هماوایی واجی «ت» و «د» و دو واج «ه»

و «ح» - به‌ویژه در فارسی معیار - شاعر را به

بهره‌گیری از ظرفیت‌های تازه می‌رساند؛ هرچند

حظ بصری کاهش می‌یابد اما لذت موسیقایی

شعر هرگز مخلوش نمی‌شود و در «اتفاقی

طبیعی» شعر در گوش جریان می‌یابد!

ب) تنوع در موضوع، انقلاب در جمهوری شعر

در دو دهه نخست انقلاب، فضاهای شعری و

موضوعات شعر بسیار به هم نزدیک بود. بی‌هیچ

تردید وقوع جنگ هشت ساله و دفاع مردم ایران

و پیامدهای جنگ، در این فضا سازی بی‌تأثیر

نبود. هرچند در سال‌های میانی دهه شصت،

پنجره‌های تازه‌ای برای تنفس و تماشای آفاق

تازه گشوده شد اما در مجموع، دغدغه‌های

مشترک شاعرانه، حوادث و رویدادهایی که روح

و ذهن شاعران را نخست تأثیر قرار می‌داد در

آفرینش جمهوری شعری و صداهای هم‌طنین

کمک می‌کرد. اما شاعران در تکوین و تکامل

شعری به قلمروهای تازه گام نهادند و حتی

حرف‌های پیشین و مقوله‌های کهنه را با زبانی

تازه بازگفتند. در دهه هفتاد و هشتاد، سهم

تغزل به تدریج بیشتر شد و مقوله‌های اجتماعی

و فرهنگی، حتی خود شعر، در کنار احساسات

شاعرانه، جلوه‌های زندگی، رنج‌ها، تشویش‌ها،

شادی‌ها، دلواپسی‌ها، آرمان‌ها و جلوه‌های تلخ

روزگار آشوب‌خیز و جهان پرتلاطم امروز در شعر

بازتاب یافتند.

نمونه‌های اول:

در غزل زیر، شاعر جانبازان شیمیایی را با نگاهی

متفاوت توصیف کرده است:

زمانه خواست تو را ماضی بعید کند

ضمیر غایب مفرد کند، شهید کند

شناسنامه درد تو را کند تمدید

تو را اسیر زمین، مدتی مدید کند

به دستمال نسیم آمده است این پاییز

که زخم‌های اناریت را سپید کند

میان بقچه عطرش نشد که دختر باد

سپیده‌دم، گل زخم تو را خرید کند

زده‌ست خیمه بر این باغ، ابری از اندوه

که رد پای تو را نیز ناپدید کند

زمانه بافت لباس عزا به قامت تو

که خود تهیه اسباب روز عید کند

زمانه خواست که در خانقاه تاول‌ها

تو را مراد کند، درد را مرید کند

کنون زمانه شاعر چه از تو بنویسد؟

خدا نصیب غزل مصرعی جدید کند

حدیث توست اگر قصه سازد از منصور

مقام توست اگر وصف بایزید کند

خدا نخواست سرت را فقط بگیرد، خواست

که ذره‌ذره تمام تو را شهید کند^۴

در این نگاه تلیثی از درد، ستایش و محاکمه

می‌توان یافت، ستایش نه از سر ترجم که مرور

عظمت‌ها، شکیب‌ها و حماسه‌های یک نسل

در توصیف جانباز شیمیایی است و محاکمه و

تلنگر به غفلت‌ها، بی‌عاطفگی‌ها و ساده و سرد

گذشتن‌ها، پشت مجموعه شعر نیز سوز و دردی

و سوگی نهفته است، بی‌آنکه این سوگ و درد در

ما تأثیری - تنها تأثیری - از جنس ترجم برانگیزد.

این «نگاه» تازه و متفاوت در نسل جوان شاعر

و سروده‌های دهه اخیر بارز و مشهود است. نکته

مهم دیگر بهره‌گیری از نمادهای دیروزین برای

بیان بهتر و رساتر امروز است و این تلفیق و

ترکیب از ویژگی‌های شعر انقلاب است.

نمونه دوم:

شاعر تصویری از خویش به دست می‌دهد.

فضایی تازه و دغدغه‌ای که در هیئت گونه‌ای

واگویی، ترسیم می‌شود. از نکته‌های قابل توجه

سال‌های دهه هفتاد و هشتاد، حضور خود شاعر

در شعر است آنچه در سال‌های پیش از آن

به‌ندرت دیده می‌شد:

این مست‌های بی‌سروپا را جواب کن

امشب شب من است، مرا انتخاب کن

مهمان من تمامی این‌ها و پای من

قلیان و چای مشتریان را حساب کن

تمثال شاعرانه درویش را بکن

عکس مرا به سینۀ دیوار قاب کن

هی قهوه‌چی! ستاره به قلیان من بریز

جای زغال، روشنش از آفتاب کن

انگورهای تازه عشقی که داشتیم

در خمره‌های کهنه بخوابان شراب کن

از خون آهوان بده طرفی که تشنه‌ام

ماهیچه فرشته برآیم کباب کن

از نشئه خلصه‌ای بده از سکر جرعه‌ای

افیون و می بیار، بساز و خراب کن

دستم تهی است هرچه برایم گذاشتی
با خنده‌های مشتریانت حساب کن^۵
نمونه سوم یا نمونه‌های سوم.

کوتاهه‌گویی و طرح‌واره‌ها، مدت‌هاست که ذهن
و زبان شاعران را به خود مشغول داشته است.
ایجاز در شعر هم به دلیل عصر بی‌حوصلگی‌ها
و هم به دلیل ضرورت بهره‌گیری از فضاها
اندک برای پیامک‌ها، نیازی است گریزناپذیر،
یکی از ظرفیت‌های کشف‌شده در شعر انقلاب،
همین قالب‌هاست که عنوان طرح، هایکو و
ترانک را یافته است. تنوع موضوعی شاید در هیچ
قالبی به اندازه این قالب‌ها احساس نمی‌شود.
شاعران انقلاب موضوعات و مسائل گوناگون را
در این قالب طرح کرده‌اند که زنده‌یاد سید حسن
حسینی را پیش‌قراول این جریان در شعر انقلاب
باید دانست.

تنوع موضوع را در نمونه‌های زیر می‌توان یافت.
اینترنت:

قرار معاشقه‌ای در اینترنت
- لیلی با لنز آمده است
- مجنون با بنز آماده است

□□□

سیاست:

دنیای رنگارنگی است

- ارتش سخ

- کاخ سفید

- سازمان سیا(ه)^۶

برادرم در برجک سوخت

من برج ساختم

□□□

تا تانک‌ها را به سایه سپردیم

بنزها آفتابی شدند^۷

□□□

زمستان

به جنگل سرایت کرده است

و تبرداران

فرصت ایستاده مردن را هم

از درخت دریغ می‌دارند

دریغ^۸

و دو رباعی که از نمونه‌های کوتاه‌گویی در ادبیات
فارسی است. رباعی در دهه شصت بسیار بارور و
شکوفای شد و پس از حدود دو دهه توقف، در دهه
هشتاد نمونه‌های بارور و درخشانی یافته است:

انشام دوباره بیست بابای گلم!

موضوع: «کسی که نیست...» بابای گلم

دیشب زن همسایه به من گفت: یتیم

معنای یتیم چیست بابای گلم؟!^۹

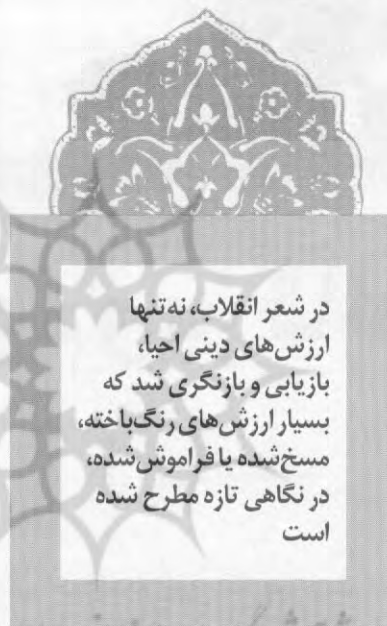
□□□

بودند چنان که آتش و یخ باهم

آن گونه که آفرین و آوخ باهم

آن خوب سپید بود و آن زشت سیاه

بر نیمکتی بهشت و دوزخ باهم^{۱۰}



چه کشتی‌ها که یک عمر است می‌خواهند یک
ساعت

بیندازند لنگر را و بنشینند پهلویش

و دریا چارده سال است هر شب خواب می‌بند

که سر هشته‌ست روی بندر آرام زانویش

خیال ببرهای ساحل دریاچه آشفته‌ست

که روزی رو به جنگل کرده با چشمان آهویش

سپیدار بلند خسته! این نیلوفر بوداست

که می‌خواهد پیچد دور اندام تو بازویش

خدا شش روز در هفت آسمان دنبال او

می‌گشت

زنی که سجده کرد ابلیس در محراب ابرویش

ته شیطان رجیم این شاخه بگری است از طوبی

که خم کرده است سر را تا بچینی آلبالویش^{۱۱}

این غزل تعریضی است به بیتی از غزل شاعر

دیگر - سعید بیابانکی - که گفته است:

زاهدم گفت زن افسونگر و شیطان صفت است

آی مردم! بگریزید ز شیطان رجیم

□□□

آنچه آمد تصویری ناتمام و گذرا از شعر انقلاب

است. ابعاد دیگر آن و واکاوی و بازشناسی سیری

که این شعر در طول سه دهه پس پشت گذاشته

است نیازمند تأمل‌های بیشتر و طرح نمونه‌های

فراوان و البته نقد و تحلیل آن‌هاست تا شاعران

روشن‌تر و آفتابی‌تر راه طی شده را بشناسند و

گام‌های پسین را استوارتر و بلندتر بردارند.

منابع و بی‌نوشت

۱. این سنگ قبر کادوی روز تولدت، مهدی زارعی، خورشید باران،

تهران، ۱۳۸۳، صص ۹۳-۹۴.

۲. دستور زبان عشق: قیصر امین‌پور، مروارید، تهران، ۱۳۸۶، صص

۴۹-۵۰.

۳. همان، صص ۴۴.

۴. الواح صلح، محمدسعید میرزایی، نشر همسایه، ۱۳۸۲، صص

۲۱۱-۲۱۳.

۵. روسری باد را تکان می‌دهد، مهدی فرجی، انتشارات مرسل،

کاشان، ۱۳۸۲، صص ۵۴.

۶. ترانک‌ها، غلام‌رضا کافی، نشر شروع، بوشهر، ۱۳۸۴.

۷. حرف‌های داخل قلب، به کوشش محمدامین جعفری، کنگره

سرکلران و چهارده هزار شهید استان فارس، ۱۳۸۵، صص ۶۳ (دو

طرح از رضا علی‌اکبری است).

۸. گریه کردن کم‌آرزویی نیست، محموداکرامی (خزان)، نشر ایوار،

مشهد، ۱۳۸۱، صص ۱۳۵.

۹. حرف‌های داخل قلب، صص ۶۰.

۱۰. بی‌همسنگان، بیژن آرزو، نشر هزاره ققنوس، تهران، ۱۳۸۴،

صص ۴۶.

۱۱. خوش به حال آهوها، پانته‌آصفایی، سازمان فرهنگی تفریحی

شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶، صص ۹-۱۰.